



### به عنوان یک مستند ساز آیا از عملکرد و همکاری مرکز گسترش راضی هستید؟

مرکز گسترش به شدت رفتار خوبی با مستندساز دارد و اتفاقات مربوط به مستند در مرکز گسترش بسیار خوب پیش می‌رود منتها مسئله اینجاست که تامین مالی اندکی دارند و با این میزان اندک کار زیادی نمی‌توان کرد. می‌توانم بگویم که به شدت درست کار می‌کنند هر چند که مسائل بروکراسی اداری همچنان وجود دارد اما این پرداخت تخصصی به عرصه مستند و اینکه می‌دانند گرفتاری و مسئله مستندساز چیست باعث می‌شود که راحت‌تر به حل مسئله کمک کنند که طبیعتاً برای یک فیلمساز مسئله مهمی است.

### پرداخت به وجوه مختلف چهره‌های شناخته شده در یک مستند اهمیت زیادی دارد در این زمینه بگویید.

من فکر می‌کنم که کاراکتر باید جلوی دوربین عریان باشد و این دوربین باید آنقدر آمده و رفته باشد که محرم شده باشد و بعد شما به عنوان فیلمساز قیچی و اصلاح می‌کنید تا آنچه که باید دیده شود، در این فیلم نیز آقای مدقالچی خود خودش است، مادر این فیلم، لحظه‌های عصبانیت او را هم می‌بینیم و اساساً مگر می‌شود که انسان‌ها زندگی کنند و عصبانی نشوند و خشم صفت مهمی است. برخی از نقدهایی که به این فیلم وارد است بر همین اساس بوده در حالی که یک انسان تشکیل شده از همین صفات و همین احساسات گاه متناقض است.

### آیا این امکان وجود نداشت که با یکی از بازیگران هالیوودی که آقای مدقالچی دوبله کرده‌اند ارتباط برقرار کنید و نظرشان را در مورد ایشان جویا شوید.

من می‌خواستم با آنتونی هاپکینز مصاحبه‌ای به صورت آنلاین داشته باشم اما شرایط مهیا نشد با اینکه تلاش‌های زیادی هم کردیم و می‌خواستیم ایشان بخش‌هایی از فیلم مثلاً سکوت بره‌ها را ببینند و بعد در مورد آقای مدقالچی صحبت کنند ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

### سخن پایانی

من مردم را دعوت می‌کنم که اگر علاقه‌مند به دوبلاژ ایران و علاقه‌مند به صدا بخصوص صدای آقای مدقالچی هستند بروند و این فیلم را که پس از ۱۵ سال بیرون آمده در سینما و با خانواده ببینند و از این مستند لذت ببرند. خوشبختانه این امکان وجود دارد که مردم در شهرهای مختلف با خرید بلیطی که در صدی هم تخفیف دارد این مستند را ببینند البته این امکان‌ها در روزهای مشخصی از هفته انجام می‌شود که مخاطبان می‌توانند با پیگیری در روز مورد نظر اثر را ببینند.

بابت این زمان زیادی که صرف شد بسیار خوشحالم چرا که بیش از هر چیز یک کلاس درس بسیار بزرگ برای من بود و من هر روز بیشتر یاد می‌گرفتم و از طرف دیگر به نظرم برای اینکه بتوانید یک پرتره درست کار کنید حداقل باید یک سال با سوژه ارتباط نزدیک داشته باشید تا بدانید تفکر و نگاه او نسبت به دنیا چیست.

### علاوه بر این نگاه و تفکر آقای مدقالچی به بعد زندگی شخصی ایشان نیز پرداخته‌اید که اتفاقاً حس همزاد پنداری مخاطب را برمی‌انگیزد و سخنانی که بی‌پرده در مورد شخص ایشان و حرفه دوبلاژ مطرح می‌شود نیز جالب توجه است.

بله در این فیلم نوع نگاه آقای مدقالچی و چیدمان‌شان در کار کاملاً مشهود است و کاراکتر را به صورت کاملاً واقعی می‌بینیم و هیچ تملق‌گویی از یکی از بزرگان دوبلاژ ایران در این فیلم دیده نمی‌شود و هیچ کدام از بزرگانی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند تملق‌گویی نمی‌کنند. ما در این فیلم تمام آنچه مربوط به آقای مدقالچی بوده را آورده‌ایم اما در واقع این فیلم فقط پرتره آقای مدقالچی محسوب نمی‌شود بلکه به سبب زمان زیادی که برده یک برش تاریخی از دوبلاژ ایران است و بخاطر افرادی که در این مستند حضور دارند و صحبت‌هایی شکل گرفته که محتوای تاریخی دارد.

### با توجه به همین ارزش تاریخی بسیاری از آثار مستند، آیا نسبت به این پروژه‌ها، یک مدیریت سینمایی با رویکرد حفظ و انتقال به نسل‌های بعد وجود دارد؟

حقیقتش این است که من در سالهای فعالیتیم چنین رویکردی را ندیده‌ام. وقتی جامعه ما درگیر نان است اهمیت سینما در دسته چندم قرار می‌گیرد و زمانی که دغدغه ما داشتن یک زندگی ساده است اما به خاطرش به مشقت می‌افتیم اولویت‌ها تغییر می‌کند. این مسئله به صورت ناخودآگاه در ذهن و عملکرد افرادی که متولیان این عرصه هستند نیز وجود دارد به همین علت اهمیتی که باید به بسیاری از فیلم‌ها داده نمی‌شود و اساساً سینما مهجور واقع شده و حال سینمای مستند بیشتر کاش واقعاً اینگونه بود که سینمای مستند در اولویت تمام ارگان‌هایی که کار فرهنگی و هنری انجام می‌دهند قرار می‌گرفت چون سینمای مستند و این برش زدن به قسمت‌هایی از تاریخ و گفتن آن به نسل‌های آینده حتی همین دوران بسیار مهم است. امروز که با بحران‌های زیادی مثل آب برق گاز و... روبه‌رو هستیم چند فیلم می‌بینیم که راجع به بحران آب و چگونگی شکل‌گیری این بحران و غیره گفته باشد؟ ما بیشتر می‌بینیم که به خود مسئله نداشتن آب اشاره می‌شود در حالی که پرسش اساسی این است که چرا آب نداریم. این چرایی اهمیت دارد اما به پاسخ این سوال‌ها نمی‌رسیم و این به پاسخ نرسیدن در سینمای مستند بیشتر خود را نشان می‌دهد و کاملاً مشهود است.

حال یا فوت شده و یا به علت کهولت سن خانه نشین شده‌اند و نیستند که بخواهند کاری انجام دهند و نکته سوم هم مسئله ترجمه است متأسفانه ما ترجمه‌های درست، شیک و مناسبی نداریم که بتوانیم بگوییم ترجمه اثر به صورت شش دانگ حق مطلب را ادا می‌کند و بیش از ۸۰ درصد ترجمه‌ها با مشکلاتی مواجه هستند. همین مسائل باعث می‌شود که دوبله فیلم صدمه ببیند حال دوران دیجیتال هم به این صدمات افزوده است در گذشته تقریباً یک هفته تا ۱۰ روز زمان می‌برد تا یک فیلم دوبله شده و از استودیو بیرون بیاید در حالی که امروز این اتفاق نمی‌افتد و یک فیلم سینمایی در عرض یک یا دو روز دوبله می‌شود. به نظر بسیاری از افرادی که در نسل‌های بعد از دوران طلایی به دنیای دوبله وارد شدند دیگر عاشقانه این حرفه را دوست ندارند و به آن به چشم یک صنعت نگاه می‌کنند هر چند که در میان آنها ندرتاً افرادی وجود دارند که عاشق سینما و دوبله هستند و به شدت کارشان را دوست دارند.

### انتخاب آقای مدقالچی به عنوان سوژه این اثر چگونه انجام شد و همکاری ایشان با اثر و روند ساخت چگونه بود؟

من در یک ورکشاپ سه روزه با آقای مدقالچی آشنا شدم. سال ۸۵ فیلمی در مورد کودکان استثنایی به نام «آن سوی زندگی» ساخته بودم و می‌خواستم خانم زاله علوم متن‌نویس فیلم را بخواند اما صدای ایشان با تصویر جفت نمی‌شد و زمانی که صدای آقای مدقالچی را روی تصویر گذاشتم متوجه شدم که همان صدایی است که به دنبالش هستم خوشبختانه ایشان هم خیلی لطف و محبت کردند و نریشن فیلم را که متن سنگینی از نیچه بود گفتند و پس از پایان خواستند که فیلم را ببینند چون آن زمان هنوز به من اعتماد نداشتند و نمی‌دانستند که من چگونه روی فیلم کار کرده‌ام. پس از اینکه فیلم را دیدند خیلی خوششان آمد و منقلب شدند و من هم دیدم که فرصت مناسبی است و همان لحظه پیشنهاد دادم که می‌خواهم فیلمی از خود شما کار کنم که فیلم کوتاه مدتی هم نخواهد بود و ایشان هم پذیرفتند. در واقع فقط همین چند جمله بین ما رد و بدل شد و بعد از آن کار را شروع کردیم و با اینکه آقای مدقالچی یکی از پیشکسوتان بزرگ دوبلاژ ایران است و در آن سال فقط همان یک فیلم را از من دیده بودند به من اعتماد کردند. البته طولانی مدت شدن ساخت اثر هم بیشتر به خاطر کمبود منابع مالی بود چون من دوست نداشتم که با ارگان‌های دولتی کار کنم و می‌خواستم به صورت شخصی و آنگونه که دلم می‌خواهد فیلم را بسازم و آزاد باشم. اما اواخر سال ۹۹ که مراحل پایانی تولید بود فشارهای مالی به حدی زیاد شد که فیلم را به مرکز گسترش دادم تا بتوانیم فیلم را تمام کنیم و در واقع انتهای فیلم و بخش تدوین را با همکاری مرکز گسترش به اتمام رساندم که حدود دو سال طول کشید چون راش‌های زیادی داشتیم و طبق قصه حدود ۴ یا ۵ بار فیلم را تدوین کردم. اما